

راهنمای ویرایش

متون آموزشی

قسمت دوم

دکتر حسین داودی

■ اشاره

نشانه‌گذاری صحیح و دور از افراط و تفریط، انضباط متنی ایجاد می‌کند و موجب تسهیل در قرائت و فهم جمله و عبارت می‌شود.

آنچه از نظر تان می‌گذرد، فصلی از فصول کتاب «راهنمای ویرایش متون آموزشی» است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آن را چاپ و به صورت محدود و درون‌سازمانی منتشر کرده است.

انتظار می‌رود دبیران محترم زبان و ادبیات فارسی این مبحث را، که در اثربخشی و تأثیرگذاری آن تردیدی نیست، مورد توجه قرار دهند و نقدها و پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی خود درباره آن را برای مجله بفرستند تا در چاپ بعدی کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ویرایش، نشانه‌های سجاوندی، متون آموزشی

نشانه‌گذاری در متون آموزشی

یکی از بخش‌های مهم ویرایش املائی - فنی متون آموزشی به کارگیری صحیح علائم در نشانه‌گذاری است که با توجه به ملاحظات آموزشی، ویژگی‌ها و پیام‌هایی به شرح زیر دارد:

یکم: «سجاوندی»^۱، «فصل و وصل» و «نقطه‌گذاری»^۲ عنوان‌های دیگری است که به این مبحث داده‌اند

و صاحب‌نظران به کار برده‌اند. اما گزینه ترجیحی این راهنما نشانه‌گذاری است.

دوم: امساک در به کارگیری علائم نشانه‌گذاری توصیه عموم اهل قلم و اهل ویرایش است و در اینجا نیز توصیه می‌شود. در عین حال، استفاده بیشتر از بعضی از آن‌ها برای رفع ابهام و بدخواهی و بدفهمی محتوای آموزشی، قابل دفاع است.

برای مثال، به کاربردن **ویرگول** بین ارکان جمله صحیح نیست اما نظر به اینکه معمولاً در خط فارسی نقش نمای اضافه (کسره اضافه) - جز در مواردی خاص - رعایت نمی‌شود، گاهی به کاربردن ویرگول ضرورت می‌یابد:

(-) کتاب دوست ماست^۳.

(+) کتاب، دوست ماست.

بدیهی است، در جایی که این ابهام ایجاد نمی‌شود، ویرگول زائد خواهد بود:

(-) دریا، شمال ایران را سرسبز کرده است. دانشجو، پژوهش را ادامه داد.

(+) دریا شمال ایران را سرسبز کرده است. دانشجو پژوهش را ادامه داد.

مثال دیگر به کاربردن پرانتز است در جایی که می‌توان با دو نیم خط نیز نشانه‌گذاری را اعمال کرد، ولی پرانتز، متن را برای مخاطب و خواننده کوتاه‌تر می‌کند:

(+) در یکی از جلسات (احتمالاً بعضی از شما در آنجا حضور داشتید)، این موضوع را به تفصیل توضیح داده‌ام.

سوم: در متن‌های پژوهشی، علمی و دانشگاهی، گاه ملاحظه می‌شود بند (پاراگراف)ها طولانی است و نویسنده یا ویراستار وحدت موضوع را عامل آن می‌داند. در متون آموزشی توصیه می‌شود به کمک علائم نشانه‌گذاری و تفکیک صوری متن، از طولانی شدن بندها بکاهند. **چهارم:** به کارگرفتن این علائم و پایبندی به اصول صفحه‌آرایی، که در متون سنتی به شکل فعلی سابقه نداشته، خواه ناخواه صفحات متن را بیشتر و به تبع آن صرف وقت، هزینه کاغذ و... را نیز بیشتر کرده است. در عین حال، چه مدافعان خط سنتی و چه مدافعان خط چاپی و رایانه‌ای سودمندی و ضرورت نشانه‌گذاری و توسعه آن را تأیید کرده‌اند و چنین تبعاتی را از مصادیق افراط و اسراف ندانسته‌اند.

پنجم: در تدوین این بخش، مبحث نشانه‌گذاری دائرةالمعارف به سرپرستی غلامحسین مصاحب (ج ۱، صص ۷۲-۷۴) محور قرار گرفته است. علاوه بر آن، به دلیل حساسیت متون آموزشی و ضرورت ارائه مطالبی جامع‌الاطراف، به آثار و منابع دیگر^۴ هم مراجعه شد و در هر کدام نکاتی تکمیلی به نظر رسید به آن اضافه گردید و در پایان نکته‌های آموزشی کارشناسان مجرب سازمان نیز افزوده شد.

نقش‌های عمده علائم نشانه‌گذاری

۱. مقایسه‌ی صوری یک صفحه از نسخه‌های خطی قدیم با یک صفحه دست‌نوشته یا چاپی نشانه‌گذاری شده، صرف نظر از محتوای آن‌ها، بیانگر نقش این علائم در چینش بهتر کلمات و سامان‌دهی و فضا سازی چشم‌نواز سطرهای هر صفحه است.

۲. این علائم، که در شکل‌گیری اجزای جمله و عبارت جایگاهی هوشمندانه دارند، نشان‌دهنده روابط دستوری آن‌ها به اختصار و به‌صورتی نمادین است.

۳. مکث بیش از معمول کلمات و تعلیق آن‌ها، آهنگ افتان و خیزان جملات (خبری، امری، پرسشی و تعجبی) و سایر عوامل لحن کلام که در زبان گفتار اعمال می‌شود، در زبان نوشتار با این علائم به خواننده و بیننده متن منتقل می‌گردد.

۴. رفع ابهام در خواندن جمله یا عبارت یا مانع شدن از تداخل مطالب، عمدتاً با این علائم عملی خواهد بود.

۵. این علائم موجب صرفه‌جویی زبانی می‌شوند (از جمله در فیلم‌نامه‌ها، رمان‌ها...).

الف. به دوستم گفتم چای میل داری؟ دوستم گفت: آری، متشکرم.

ب. چای؟
- متشکرم.

۶. شفاف‌سازی در خصوص اصلی و فرعی بودن جملات، نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم، الحاقی بودن کلمه یا جمله در عبارت، تردیدهای مربوط به صحت مطلب و... با این نشانه‌ها امکان‌پذیر است.

۷. ارجاع به مطالب و منابع دیگر، همچنین معنی‌دار ساختن اختصارها با این علائم عملی است.

۸. این علائم به کارگیری حروف اضافه (نقش‌نماها) از جمله عطف و ربط را به حداقل می‌رسانند.

علائم نشانه‌گذاری

نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت تعلیق، علامت نقل قول، خط (خط فاصله،

نیم خط فاصله) نقش اصلی دارند. علائم دیگر نیز عبارت‌اند از: پرانتز، قلاب، خط مورب، پیکان، ستاره، خط ممتد، ابرو (خط تاب‌دار)، علامت بند (پاراگراف) خط موازی، علامت تکرار، علائم هندسی و خط مساوی^۶.

تبصره: جایگاه این علائم (نقطه، سؤال، تعجب، ویرگول، دو نقطه، تعلیق، نقل قول، پرانتز)^۷، نسبت به کلمه قبل آن‌ها با رعایت «نیم‌فاصله» و نسبت به کلمه بعد آن‌ها با رعایت (تمام فاصله) توصیه می‌شود. با استفاده از قابلیت دقیق و تکنیکی صنعت چاپ و رایانه این توصیه تحقیق‌پذیر است، مثال:

(+)، _____

(-)، _____

(-)، _____

یادآوری: جایگاه علامت قلاب [] با علائم یاد شده اندکی متفاوت است. توضیح اینکه طرفین بیرونی آن‌ها (نسبت به کلمه قبل در اولی و کلمه بعد در دومی) معمولاً با فاصله کامل: [] و طرفین داخلی

آن‌ها (نسبت به کلمه داخلی) با نیم‌فاصله حروف‌نگاری می‌شوند [____]

نقطه (.). وظیفه اصلی: **درنگ کامل:** این علامت وقف کامل^۸ را نشان می‌دهد و در پایان یک جمله مستقل یا جانشین آن می‌آید. به عبارت دیگر، هرگاه اسناد (مسندالیه و مسند و رابطه) تحقق یابد نقطه گذاشته می‌شود:

- حافظ بزرگ‌ترین شاعر در سرودن غزل عارفانه است. (خبری)

- کار امروز را به فردا می‌فکن. (امری)
- کدام کارگاه آموزشی سودمندتر بود؟ (پرسشی)

- چه تحلیل قوی و کارشناسانه‌ای! (تعجبی)^۹

- چه کسی بزرگ‌ترین شاعر غزل عارفانه در ایران است؟

- حافظ. (جانشین جمله مستقل)
همچنین در مختصرنویسی اسامی و عناوین پس از حرف یا حروف نماینده آن‌ها می‌آید:



ع. اقبال آشتیانی (=عباس اقبال آشتیانی)
س. م. م. (=سازمان ملل متحد)

ژ. روسو (=ژان ژاک روسو)
تبصره: در موارد زیر، به افزودن نقطه نیازی نیست:

- پس از ص (صفحه)، س (=سطر)، ج (=جلد)، قس (=قیاس کنید)، ر ک (=رجوع کنید)؛

- پس از ش (=شمسی)، ق (=قمری)، م (=میلادی)، ه (=هجری)؛

- پس از پانویشت‌هایی که به صورت جمله نیستند

(-) گلستان سعدی، باب دوم، ص ۱۶.

(+) گلستان سعدی، باب دوم، ص ۱۶
پس از عنوان (اصلی و فرعی) کتاب، مقاله، فیلم و مانند این‌ها، حتی اگر این عنوان‌ها جمله کامل باشند:

(-) دیوانه از قفس پرید.

(+) دیوانه از قفس پرید

در جمله‌ای که جمله بعد از آن با «و» شروع می‌شود:

(-) این توضیحات برای امروز کافی است. و اضافه کنم برای حل مسائل درس مشکلی نخواهید داشت.

(+) این توضیحات برای امروز کافی است؛ و اضافه کنم... (یا: کافی است و اضافه کنم...)

- علامت سؤال (؟) وظیفه اصلی: پرسش (نام‌های دیگر: نشانه پرسش، پرسش‌نما)

این علامت پس از هر جمله استفهامی یا استفهام انکاری می‌آید:

کجا بودی؟ آیا نور با ظلمت مساوی است؟

در نقل مستقیم یک جمله پرسشی یا خواهش مؤدبانه، علامت آن محفوظ می‌ماند:

آیا برج ایفل را دیده‌ای؟ اجازه می‌دهید پذیرایی را شروع کنیم؟

در نقل غیرمستقیم چنین جملاتی علامت پرسشی آن‌ها حذف می‌شود:

(-) از من پرسید که آیا برج ایفل را دیده‌ام؟ به حاضران گفت آیا اجازه می‌دهند پذیرایی را شروع کند؟

(+) از من پرسید آیا برج ایفل را دیده‌ام. به حاضران گفت آیا اجازه می‌دهند پذیرایی را شروع کند.

گاهی برای رسانیدن حدس و گمان یا تردید، از این علامت در داخل پرانتز استفاده می‌کنیم:

جمعیت این آبادی ۱/۲۵۹ (؟) نفر است. چند جمله پرسشی و متوالی، علامت سؤال جداگانه می‌گیرند:

در این هفته چند فصل کتاب را خوانده‌ای؟ چند مسئله را حل کرده‌ای؟ و چند بار از خود آزمون‌ها استفاده کرده‌ای؟

در صورتی که پرسش‌ها کوتاه‌تر و تأکید بر آن‌ها کلی باشد، علامت سؤال فقط در آخر به کار می‌رود:

چه دیدی، چه فهمیدی و چه برداشت کردی؟

- علامت تعجب (!) وظیفه اصلی: نمایاندن عاطفه (نام‌های دیگر: علامت عاطفه، علامت خطاب و هیجان‌نما)

علامت تعجب، و به تعبیر بهتر علامت عاطفه و خطاب، پس از اصوات، یا پس از یک جمله یا پس از جزی از جمله، به منظور افاده تأکید، تحذیر، دعا، نفرین، تعجب یا عاطفه شدید به کار می‌رود:

افسوس! دیگر کار از کار گذشته است. حاشا! آفرین!

چه داستان عبرت‌آموزی! چه هوای خوشی! چقدر بزرگ شده است! مواظب باش! زود باش! خدا نگهدارت! زنده باد! مرده باد!

تبصره ۱: اگر جمله فاقد تأکید عاطفی باشد، نیازی به استفاده از این علامت نیست:

با درد و افسوس آنچه لازم بود گفتم. فرزندم، مواظب باش چترت را در کلاس جا نگذاری.

شعارهای زنده باد و مرده باد را باید با شعور و آگاهی همراه کرد.

تبصره ۲: علامت خطاب در جایی به کار می‌رود که مخاطب مهم و مورد تأکید باشد.

آقای رئیس! حضار محترم!

در غیر این صورت از علامت ویرگول استفاده می‌کنیم.

آقای محترم، صف را رعایت کنید. برادر، به فکر برادرت باش.

تبصره ۳: اگر جمله‌ای پرسش و تعجب را با هم داشت از (؟!) استفاده می‌شود:

با قهرمان جدید چه می‌کنید؟!

توضیح: از به کاربردن نشانه‌های مکرر سؤال و تعجب باید پرهیز کرد:

(-) واقعاً پذیرایی کردند!!!

(+) واقعاً پذیرایی کردند!

ویرگول (،) وظیفه اصلی: درنگ کوتاه (نام‌های دیگر: بند، کاما، درنگ‌نما): ویرگول، پرکاربردترین علامت نشانه‌گذاری است. گاه برخی ویراستاران جوان تصور می‌کنند هر جا در جمله مکث باشد باید به تبعیت از لحن کلام ویرگول به کاربرد که صحیح نیست و به تعبیر و طنز اهل ویرایش، ویراستار نباید صرفاً ویرگولستار باشد!

ویرگول در موارد زیر به کار می‌رود:

پس از منادا.

معلم: آقای یزدانی، درس را توضیح دهید. (اگر منادا مورد تأکید باشد - همان‌طور که قبلاً گفته شد - از علامت خطاب استفاده می‌شود: حضار محترم!)

بین دو کلمه‌ای که ممکن است با نقش‌نمای اضافه (کسره اضافه) خوانده شوند:

(-) باغ سیب فراوان دارد.

(+) باغ، سیب فراوان دارد.

(اگر نقش‌نما یا کسره اضافه الزاماً همه جا رعایت می‌شود، در این موارد به ویرگول نیاز نبود؛ زیرا فقدان کسره به معنی توقف تلقی می‌شد: باغ سیب فراوان دارد.)

بین دو کلمه‌ای که ممکن است اشتباهاً یک کلمه ترکیبی خوانده شود:

(-) غلام‌عباس را دید. از علی محمد و ناصر عیادت کردم.

(+) غلام، عباس را دید. از علی، محمد و ناصر عیادت کردم.

بین تکرار کلمه (صرفاً تکرار و نه ترکیب):

(-) او مدعی بود که خانه خانه اوست.

(+) او مدعی بود که خانه، خانه اوست.



ابر و باد و مه و خورشید و فلک
در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت
نخوری

به قدر هر سکون راحت بود بنگر
مراتب را
دویدن رفتن استادان نشستن خفتن
و مردن

گاهی دو به دو یا سه به سه نشانه گذاری
می شوند (به اعتبار اشتراکات بیشتر):
رودکی و شهید بلخی، خاقانی و نظامی،
همچنین سعدی و حافظ از مفاخر ادب
ایران اند.
پس از گروه قیدی (در آغاز جمله) و پیش
و پس آن (در میان جمله):
به علاوه (وانگهی، علی ای حال، بنابراین)،
چاره ای نداشت.

پس از توزیع اوراق، دانش آموزان برای
پاسخ دادن سی دقیقه فرصت داشتند.
دانش آموزان برای پاسخ دادن، پس از
توزیع اوراق، سی دقیقه فرصت داشتند.
برای جدا کردن بدل یا عطف بیان، جمله
توضیحی و جمله معترضة:
محمدبن زکریای رازی، کاشف الکَل، از
دانشمندان بزرگ ایران است.

آثار سعدی، به خصوص گلستان، نمونه
برجسته ای از سخن بلیغ فارسی است.
امام علی، صلوات الله علیه، حقیقتی بر
گونه اساطیر بود (معترضه دعایی).
برادر مدیر شرکت، که هم اکنون کنارش
نشسته است، دانشجویست (معترضه
غیردعایی).

(در این موارد، از نیم خط هم استفاده
می شود).
بین جمله قیدی (پیرو) و جمله اصلی
(پایه):

همین که سؤالات توزیع شد، سکوت
سالن را فرا گرفت.
تا مطالعه کتاب را تمام نکرد، نخوابید.
هر چند هوا سرد بود، خودش را به جلسه
رسانید.

بین اسم یا ضمیر و کلمه یا جمله
هم نشین آن ها:
احمدی، شاغل در دبستان روبه رو،

بنابراین، در جمله ای مانند «کودک دوان
دوان آمد»، که قید ترکیبی است، به
ویرگول نیاز نیست.

- قبل و بعد از جمله صله غیر تحدیدی:
(-) جمله آموزش رشد فیزیک که دارای
مقالات علمی است آماده توزیع شد.
(+) جمله آموزش رشد فیزیک، که دارای
مقالات علمی است، آماده توزیع است.

توضیح: جمله صله در حکم صفت
است. اگر موصوف با آن محدود نشود صله
غیر تحدیدی است و می توان آن را حذف
کرد؛ بدون اینکه جمله ناقص شود: جمله
آموزش رشد فیزیک آماده توزیع است. اگر
موصوف با آن محدود شود صله تحدیدی
است و نمی توان آن را حذف کرد، وگرنه
جمله ناقص می شود:

(-) جمله ای، که همراه دارم، آموزش رشد
فیزیک است.

(+) جمله ای که همراه دارم آموزش رشد
فیزیک است.

در این صورت به ویرگول نیاز ندارد.
بین کلمات و جملات هم نقش:
کتاب، دفتر، قلم و مدادش گم شد/
اینجاست (در نقش فاعلی/مسند الیهی).
پدر، مادر، برادر، خواهر، سلامم را بپذیرید
(در نقش منادا).

پدر دانا، تحصیل کرده، پرتلاش و مهربان
او آمد (در نقش صفت). راننده اتوبوس،
آرام، با احتیاط، دقیق و ساکت جلو
می رفت (در نقش قید).

پدر از اینکه می دید فرزندانش بزرگ
شده، دانشگاه رفته و سپس شاغل شده اند،
احساس آرامش می کرد (در نقش جملات
مفعولی).

توضیح: در زبان فارسی، معمولاً آخرین
کلمه یا جمله هم نقش را، به تبعیت از
الگوی فرانسوی - آلمانی، با «و» مشخص
می کنند (در الگوی انگلیسی - که در
فارسی رایج نیست - قبل از «و» ویرگول
هم می آورند). در متون سنتی به جای
این ویرگول ها «و» تکرار می شده است:
خداوند حکیم و دانا و تواناست.

استفاده از «و» و بدون آن، در متون
شعری به اقتضای وزن و ضرورت های دیگر
شعری، به هر دو صورت دیده شده است:

بازنشسته شد.

او، شاغل در دبستان روبه رو، بازنشسته
شد.

به جانشینی محذوف:

سال اولی ها سر کلاس رفتند و سال
دومی ها به زمین بازی، تا معلمشان از راه
برسد.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ، نشانی،
مشخصات (کتاب و...):

شنبه، یکم خرداد ۱۳۸۷

تهران، خیابان پاسداران، کوی هشتم،
شماره ۱۶

سمیعی (گیلانی) احمد، نگارش و
ویرایش، سازمان سمت، چ ۷، ۱۳۸۵،
تهران

پس از نقل قول مستقیم:

«من بی گناهم»، این آخرین جمله
دفاعیه اش بود.

بین اعداد:

در سال ۱۳۸۷، ۲۵۶ نفر در این دبیرستان
ثبت نام کرده اند.

(می توان یکی از آن ها را حروفی نوشت:
در سال ۱۳۸۷ دویست و پنجاه و شش
نفر... یا بین اعداد فاصله انداخت: در سال
۱۳۸۷، در این دبیرستان ۲۵۶ نفر...)

مواد ۲، ۸، ۱۵، ۳۱ این مصوبه بازنگری
شد.

(در کتاب های اختصاصی ریاضی و مشابه
آن ها اعداد از سمت چپ نوشته می شوند،
چه فارسی و چه لاتین، با این توضیح
که از ویرگول معکوس استفاده می شود:

۱،۲،۳/۱،۲،۳

برای رفع ابهام:

کتاب ها، و مجلاتی که ماهانه منتشر
می شوند موجب ارتقای فرهنگی شده اند.

(بدون ویرگول، جمله مبهم می شود و
گویی کتاب ها هم ماهانه منتشر می شوند).

تبصره: در موارد زیر، به کارگرفتن
ویرگول نیاز نیست:



صله تحدیدی از جمله پایه:

(+) مسئله‌ای که مطرح شد تازگی داشت.

(-) مسئله‌ای، که مطرح شد، تازگی داشت.

بین نهاد و گزاره (جمله اسنادی، جمله فعلی)، در صورتی که فاقد توضیح و تأکید باشد:

(+) نیما شاعر نوپرداز ایران است / پرویز آمد.

(-) نیما، شاعر نوپرداز ایران است. / پرویز، آمد.

پیش از اولین عضو یک مجموعه هم‌نقش: (+) اقدام دوستانه، مؤثر، به‌موقع و سریع مدیر شرکت قابل تقدیر است.

(-) اقدام، دوستانه، مؤثر، به‌موقع و سریع مدیر شرکت قابل تقدیر است.

- جمله‌های کوتاه با پیرو قیدی (در آغاز یا پایان آن)

(+) اگر ببینی خواهی پسندید. خوشحال می‌شوم اگر بیایی.

(-) اگر ببینی، خواهی پسندید. خوشحال می‌شوم، اگر بیایی.

اگر پیرو قیدی میان جمله قرار گیرد به ویرگول نیاز دارد:

دوست من، اگر ببینی، خواهی پسندید. مطمئنم، اگر بیایی، پشیمان نمی‌شوی.

- علامت نقطه ویرگول (؛) وظیفه

اصلی: درنگ متوسط (نام‌های

دیگر: نقطه‌بند، جدایی‌نما، درنگ

نقطه): این علامت برای توقف متوسط و

نزدیک به توقف کامل به کار می‌رود. در

مقایسه آن با علامت ویرگول، می‌توان

گفت نقطه ویرگول آنجا گذاشته

می‌شود که ویرگول نباید گذاشت.

همچنین به منظور آزمون نقطه ویرگول،

اگر به جای نقطه بگذاریم، معمولاً بجا و

درست است.

برای جدا کردن کلمات یا جملات

متعدد هم‌پایه در عبارتی که خود

نشانه‌های دیگری (بیشتر ویرگول) نیز

دارد:

نفر اول، که از شاگردان ممتاز کلاس

بود، انشایش را خواند؛ نفر دوم، که دیر

رسیده بود، اعلام آمادگی کرد و او هم

در پایان هریک از اجزای مجموعه‌ای که به‌صورت جمله نیامده باشند:

معلم: هر یک از شما سه نفر، به ترتیبی که می‌گویم، یک مقاله را به اختصار بازنویسی و در کلاس انشا قرائت کنید: نفر اول مقاله الف؛ نفر دوم مقاله ب؛ نفر سوم مقاله ج.

تبصره: بین جمله‌های معطوف، اگر فعل به قرینه حذف شده باشد، نقطه ویرگول گذاشته نمی‌شود.

دبیر کارگروه تخصصی فیزیک متن دست‌نوشته کتاب سال سوم مؤلف را جهت بررسی در اختیار اعضا گذاشت و دبیر کارگروه تخصصی ریاضیات متن دست‌نوشته کتاب ریاضی سال دوم مؤلف را، سپس، بررسی محتوایی آغاز شد.

تقسیم و تعدیل ویرگول‌ها در یک جمله یا عبارت:

باید در هر یک از کتاب‌های درسی، مانند فارسی، تاریخ، جغرافیا، فیزیک، شیمی؛ اهداف رفتاری، متن اصلی، متن فرعی، تمرینات و... پیش‌بینی شود.

انشایش را خواند؛ نفر سوم، که قبل از ورود به کلاس به من گفته بود در صورت امکان برای خواندن انشا صدایش کنم، نیز انشای خود را خواند؛ سپس در جمع به نقد و بررسی محتوای هر سه انشا پرداختیم.

در بیان تقابل:

از یک طرف به توصیه‌های مکرر معلم توجه نمی‌کرد؛ از طرف دیگر اصرار داشت نمره مطلوب دریافت کند.

در بیان مثال و توضیح، معمولاً پیش از کلمات «مثلاً»، «یعنی»، «مانند» و به عبارت دیگر:

عدد ۷ عددی اول است؛ یعنی مقسوم‌علیه‌ی جز ۱ و ۷ ندارد.

به جای نقطه (پیش از جمله‌ای که با «واو» عطف آغاز شود یا نهاد اختیاری آن به قرینه حذف شده باشد):

پژوهشگر، اگر کارش میدانی باشد، به نتایج خاصی دست می‌یابد؛ و اگر کتابخانه‌ای باشد، نوع نتایج به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود.

گلستان سعدی دارای نثر مسجع است؛ باب‌های متعددی دارد.

– علامت دو نقطه (: وظیفه اصلی: توضیح و تفسیر (نام‌های دیگر: هشدارنما، نشان تفسیر)

– قبل از نقل مستقیم (اگر حرف ربط «که» نداشته باشد):

(+) کارشناس برنامه‌ریزی درسی گفته است: محتوای تألیف پیشنهادی را امروز در جلسه بررسی می‌کنیم.

(+) خواجه عبدالله انصاری گوید: آن ارزی که می‌ورزی.

(-) به دانش‌آموزان خواهیم گفت: که این هفته امتحان می‌گیرم.

(-) به دانش‌آموزان خواهیم گفت که: این هفته امتحان می‌گیرم.

برای آوردن توضیح در بیان و تأیید آنچه پیش‌تر ذکر شده است:

بالاخره تلاش‌های شبانه‌روزی فرزندان به ثمر نشست: او در دانشگاه قبول شد.

پیش از مجموعه‌هایی از شواهد و مثال‌ها و تقسیمات و اجزا:

ارکان تشبیه چهار است: مشبّه، مشبّه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه

به جای «یعنی» و در معنای آن: پیکار: جنگ

تبصره ۱: در صورتی که شواهد و مثال‌ها با کلماتی مانند «نظیر، مثل، مانند...» مضاف و اقع شوند، به «این نشانه» نیاز نیست:

(+) کلمه در دستور زبان فارسی انواعی مثل **اسم، فعل، صفت، قید** و... دارد.

(-) کلمه در دستور زبان فارسی انواعی مثل: **اسم، فعل، صفت، قید** و... دارد.

تبصره ۲: در متنی که گفت‌وگو و محاوره آن‌ها غلبه دارد و جمله‌ها کوتاه‌اند، نیازی به دو نقطه ندارد: به دوستم گفتم کی حرکت می‌کنی؟ گفت یک ساعت دیگر. ضمناً به فرزندم گفته‌ام او هم هم‌زمان بیاید. گفتم بهتر است به آقای... هم بگوئی بیاید. گفت سعی می‌کنم.

برای جداسازی آیه از سوره، صفحه از کتاب و دقیقه از ساعت:

قرآن، ۲: ۷، ۸ و ۹ (= قرآن، سوره بقره، آیات ۷، ۸ و ۹)

بوستان سعدی، ۳: ۲۰، ۲۴ (= بوستان سعدی، باب سوم، صفحات ۲۰ و ۲۴) ۳۵: ۱۵ (= ساعت پانزده و سی و پنج دقیقه).

توضیح: اعداد اصلی و فرعی در تعیین ساعت و دقیقه از چپ به راست است. برای انتقال پیام و توضیحات: به این بایدها و نبایدها توجه کنید: (۱) ... (۲) ...

– برای بیان مثال یا نمونه‌ای از یک قاعده:

گاه صفت به جای اسم می‌نشیند: دانایی (= مرد دانایی) دیدم.

– علامت تعلیق (... وظیفه اصلی: تعلیق (نام‌های دیگر: سه نقطه، نشانه حذف، نقطه تعلیق، نشانه تعلیق)

برای نشان دادن حذف کلمات یا جملاتی از متن:

سخنش را با دیباچه گلستان آغاز کرد: منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت... سپس درباره نثر مسجع و تفاوت آن با نثر مصنوع توضیح داد.

در بازنویسی و چاپ متون نسخه‌های خطی قسمت‌هایی را که خوانده نمی‌شود با این علامت مشخص می‌کنند.

تبصره ۱: علامت تعلیق در پایان جمله، نقطه پایانی خواهد داشت و با فاصله بیشتر آورده می‌شود: ...

تبصره ۲: سه نقطه را به چهار و پنج نقطه و بیشتر افزایش دادن دلیل بر بیشتر شدن حجم حذفیات نیست و باید همچنان سه نقطه به کاربرد؛ چه برای یک کلمه و چه برای چند بند (پاراگراف) حذفی. در صورتی که حذف پایان جمله طولانی باشد، می‌توانیم بعد از سه نقطه توضیحات تکمیلی اضافه می‌کنیم:

... (الخ = الی آخر) ... (تا پایان فصل) ... (الخ قصیده).

برای نشان دادن مکث‌های طولانی ناشی از لکنت زبان یا حالات روحی (احتضار...) در فیلم‌نامه‌ها و داستان‌ها:

صدایش خوب شنیده نمی‌شد. به زحمت به گوش می‌رسید: ما... د... ر.

– علامت نقل قول (« » وظیفه اصلی: برجسته ساختن (نام‌های دیگر: گیومه، برجسته‌نما، دو گوشه)

این علامت برای نشان دادن ابتدا و انتهای یک قول منقول یا عین کلمات گوینده به کار می‌رود (نقل قول مستقیم):

دانش‌آموزان، بالاتفاق، از معلم خود درخواست کردند: «هفته بعد امتحان بگیرد.»

توضیح ۱: اگر اشخاص، ضمائر و شناسه افعال نقل قول تغییر کند به این علامت نیاز نیست (زیرا به نقل قول غیرمستقیم تبدیل شده است).

دانش‌آموزان، بالاتفاق، از معلم خود درخواست کرده بودند که از آنان یک هفته بعد امتحان بگیرد.

توضیح ۲: نقل قول، چه از نوع نقل قول با تلخیص باشد (فقط با حذف همراه باشد)؛ و چه نقل قول با تلخیص و تصرف (هم حذف و هم تغییر)؛ به علامت گیومه نیاز دارد. اما نقل به مضمون یا اقتباس از مقوله نقل قول غیرمستقیم است و به این علامت نیاز ندارد. در عین حال، باید در داخل پرانتز یا در پاورقی به نوع تغییرات در نقل قول اشاره کرد.

نقل قولی را که در ضمن نقل قول دیگر آمده است (نقل در نقل)، معمولاً در میان علامت نقل قول مفرد « ’ » قرار می‌دهند:

معلم: «همه دانش‌آموزان کلاس به سؤالات پاسخ کتبی دادند. فقط یکی



تبصره ۴: امروز، در مقالات علمی علامت نقل قول را برای معنی کلمات و عبارات نیز به کار می‌برند؛ یعنی معنا را درون علامت نقل قول می‌آورند.

تبصره ۵: برای نقل قول‌های طولانی (بیش از سه سطر) می‌توان از سطرهای کوتاه (نیم‌سانت از هر طرف) با حروف نازک استفاده کرد. در این صورت به علامت نقل قول نیز نیاز نیست.

– علامت خط فاصله (-) وظیفه اصلی: پیوند (نام‌های دیگر: خط، خط فاصله، نیم‌خط، پیوست، دش، تیره) ۱۱

این علامت هم کاربرد زوج دارد و هم کاربرد فرد. تأکید می‌شود، ضمن استفاده از نوع کوتاه آن، فاصله طرفین آن نیم‌فاصله باشد:

(+) دوستم – یادش به‌خیر – در سفر حج است.

(-) دوستم – یادش به‌خیر – در سفر حج است.

الف) کاربرد زوج

جملات و عبارات معترضه (دعایی، توضیحی، تأکیدی و...): حافظ – لسان‌الغیب – حافظه ملت ایران است.

شهر و هرچه در آن بود – ساکنان و چهار پایان و بناها – در آتش سوخت.

تبصره: اگر جمله و عبارت معترضه پایان‌دهنده جمله اصلی باشد، خط فاصله دوم به کار گرفته نمی‌شود و «نقطه» پایانی کافی است:

کتاب فارسی در دوره متوسطه از کتاب ادبیات فارسی جدا شد – اقدام ضروری و مهمی که کارشناسان مجرب برای تقویت مهارت‌های زبانی و شناخت دقیق‌تر ادبیات بر آن اصرار داشتند.

ب) کاربرد فرد

– آغاز بندهای کوتاه فرعی و زیرمجموعه‌ها: برنامه درسی مطلوب آن است که

– اهداف کلی آن مشخص شود؛

– اهداف رفتاری و جزئی آن تبیین گردد؛

– ارتباط افقی و عمودی آن لحاظ شود و...

شش حرفی است.

۴. کلمه یا عبارتی که در معانی خاص یا نابجا یا تمسخرآمیز به کار رود؛ او را، که مردی لاغر اندام و کوتاه قد بود، دوستانش «رشید السلطان» لقب داده بودند.

۵. کلمه یا عبارتی که نویسنده از بابت کاربردش از خود سلب مسئولیت کند: رسانه‌های استکباری شب و روز تبلیغ می‌کنند که ایران «به‌دنبال سلاح هسته‌ای» است.

۶. نام چهره داستانی، هرگاه احتمال داده شود که آن را متعلق به چندین شخص حقیقی بپندارند.

مردم امسال (۱۳۸۷) بیش از پیش، با

از آن‌ها قبل از توزیع اوراق اطلاع داد: دو سه روز است که خانواده‌ام مشغول خانه‌کشی و جابه‌جایی هستند. از این‌رو نتوانسته‌ام درس بخوانم؛ من هم موافقت کردم امتحانش به هفته بعد موکول شود».

شکل‌های متنوع گیومه: شکل‌های این علامت، که کم و بیش در خط فارسی راه یافته است، عبارت‌اند از:

۱	فرانسوی (بی‌گوشه)	«-»
۲	فرانسوی (با گوشه)	«»
۳	آلمانی (زوج اول روی خط کرسی و دیگری پایین آن)	“”
۴	انگلیسی فرد (یکی و بالای خط کرسی)	‘’
۵	انگلیسی زوج (دو تا و بالای خط کرسی)	“”

شکل رایج‌تر در زبان فارسی اولی **فرانسوی بی‌گوشه «-»** و پنجمی **انگلیسی زوج “”** است.

علامت نقل در نقل هم با اولی و چهارمی معمول‌تر است: “” یا “”

– علاوه بر نقل قول، در موارد زیر نیز از گیومه استفاده می‌شود (می‌توان به‌جای استفاده از گیومه برای برجسته‌سازی از حروف سیاه یا رنگی نیز کمک گرفت. با این توضیح که یا استفاده از گیومه یا از حروف سیاه و رنگی و نه جمع هر دو):

۱. اصطلاحات علمی و فنی و کلمات و تعبیرات مهجور و ناآشنا؛

«مفهوم» و «مصادیق» دو مقوله مهم در «علم منطق» است.

۲. عنوان مقاله یا عنوان فصلی از کتاب؛

مقاله «آیین فتوت» در مجله آموزش زبان و ادب فارسی شماره ۸۵ چاپ شد.

۳. کلمه یا عبارتی که لفظ آن مراد باشد نه معنی و مفهوم و مصداق آن؛

«اقبال» مصدر باب افعال است. «اصفهان»

گفت و گوها در فیلم نامه ها، داستان ها:

- کی عازم هستید؟

- فردا.

- اگر ممکن است این کتاب را به دوستم تحویل دهید.

- حتما.

ترکیب های موازی:

- سفرهای زیارتی - سیاحتی

- اردوی ورزشی - فرهنگی

تبصره: این ترکیب ها به صورت زیارتی سیاحتی (بدون علامت) و زیارتی و سیاحتی (با «واو» عطف) نیز به کار می روند.

به جای «تا» و «به» در بیان فواصل زمانی، مکانی و مقداری:

فروردین - خرداد ۱۳۸۷ (= تا)

قطار سریع السیر تهران - مشهد (= به)

۱۵۰۰ - ۲۰۰۰ کیلوگرم (= تا)

برای نشان دادن قطع یا تغییر سخن (در نمایش نامه ها، مکالمات داستان ها):

تا او را آنجا دیدم می خواستم - نه بهتر است چیزی نگویم.

برای نشان دادن تردید یا لکنت زبان:

- نمی دانم بروم نروم - باید بیشتر فکر کنم.

- من - من - من شیشه را نشکستم.

(در این موارد از علامت تعلیق نیز می توان استفاده کرد).

برای رجوع به ما قبل یا جمع و خلاصه کردن آن:

اشعار میهنی بسیار سروده است - اشعاری که در دل ها جای گزین شد.

مال، خانواده، آبرو، اعتبار - همه را به باد داد.

برای پیوستن نام مؤلف یا نام کتاب به عبارتی منقول از او یا از آن:

گر همه شب قدر بودی، شب قدر بی قدر بودی - سعدی

(در این موارد از پرانتز هم می توان استفاده کرد).

برای جدا کردن هجاهای یک کلمه در تقطیع

کلمه «دانشکده» دارای چهار هجاست: دا - نش - ک - ده.

تبصره ۱: خط فاصله زوج در جداسازی

از **ویرگول** قوی تر و از **پرانتز** ضعیف تر است. بنابراین، جملات معترضه با ویرگول

نشان داده نمی شوند؛ زیرا جزء بدنه اصلی

جمله نیستند. همان طور که توضیحات زاید بر متن با پرانتز نشان داده می شوند، نه با

خط فاصله، زیرا می توان آن ها را حذف کرد یا در پاورقی آورد.

تبصره ۲: ویرگول، نقطه ویرگول و دو نقطه قبل و بعد خط فاصله زوج به کار

نمی رود.

تبصره ۳: در استفاده مکرر از خط فاصله زوج در یک جمله خودداری و امساک شود.

تبصره ۴: در نوشته های به خط لاتین، وقتی دو پاره یک واژه در دو سطر بیاید، در آخر پاره اول نیم خط گذاشته می شود. درمتون فارسی از شکستن کلمه باید پرهیز کرد و تمام آن را در یک سطر جا داد.

- علامت پرانتز () وظیفه اصلی: توضیح (نام های دیگر: دو کمان، هلالین، کمانک، گریزنا)

برای توضیحات فرعی و حاشیه ای، به طوری که حذف آن ها به اصل مطلب صدمه ای نزند:

برنامه درسی مصوب سازمان (مثلا همین شیمی) مبنای تألیف مؤلف یا مؤلفان کتاب درسی است.

حرف «ها» ی بیان حرکت (های غیرملفوظ) را باید به هفت حرف جدا (حروف منفصله) اضافه کرد.

تبصره: این توضیحات اگر طولانی باشند در بخش پاورقی و ارجاعات می آیند. اما در صورت مختصر بودن بهتر است در داخل متن و بین پرانتز آورده شوند.

معرفی اختصاری مأخذ در متن:

فاصله گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخواهی و ابهام معنایی می شود (دستور خط فارسی: ۱۰). سنوات ولادت و وفات یا حکومت و وزارت و نظایر آن ها:

لوئی پاسستور (۱۸۲۲-۱۸۹۵م)، خواجه نظام الملک (وزارت: ۴۵۵-۴۸۵ ق)

معنی واژه (ترجیحاً با علامت مساوی):

روغن ورد (= گل سرخ)

اختصاری عبارت دعایی:

حضرت علی (ع)/امام امت (ره)

تبصره ۱: گاهی عددهای ارجاعی به

پاورقی را با پرانتز همراه می کنند، که به آن توصیه نمی شود.

تبصره ۲: توضیحات داخل پرانتز در نقل قول مستقیم (عبارت منقول) بخشی از مطالب نقل قول است نه بیان کننده نقل قول.

توجه کنید عین جمله را نقل می کنم: «الفبای یونانی (مشمول بر ۲۴ حرف) در علوم و فنون فراوان استعمال می شود».

معمولاً توضیحات بیان کننده نقل قول، که جنبه الحاقی دارد، بین دو قلاب می آید: مؤلف پیغام داده است: «ده فصل از دوازده فصل [کتاب یازده فصل است] را آماده کرده ام».

تبصره ۳: توصیه می شود در هر بند (پاراگراف) در هر جمله، پرانتزهای متوالی را، جز در فرمول های ریاضی و...، به کار نبرید.

(-) نفس اماره (از نفوس ثلاثه که در قرآن به آن تصریح شده است)، نفس لواحه (به این هم در قرآن تصریح شده است) و نفس مطمئنه (سومین نفس تصریح شده در قرآن) مراتبی از هویت نفسانی آدمی است. (+) نفس اماره، نفس لواحه و نفس مطمئنه (نفوس ثلاثه ای که در قرآن به آن ها تصریح شده است) مراتبی از هویت نفسانی آدمی است.

تبصره ۴: از به کار بردن علائم ویرگول، نقطه ویرگول و دو نقطه در پایان مطلب داخل پرانتز خودداری شود.

تبصره ۵: اگر صرفاً معنی کلمه ای در پرانتز بیاید نیازی به آوردن «یعنی» یا «یا» نیست اما برای توضیح بیشتر اشکالی ندارد. (+) از صحت و سقم (بیماری)/(بیماری) حالش پرسید.

(-) از صحت و سقم (یعنی بیماری)/(یا بیماری) حالش پرسید.

(+) خدایا به حق بنی فاطمه/ که بر قول ایمان کنم خاتمه (یعنی ختم زندگی ام را گفتن شهادت به وحدانیت همراه کن) - سعدی

تبصره ۶: از به کار بردن پرانتز در پرانتز پرهیز شود. در موارد اضطرار می توان دو پرانتز داخلی را ریزتر به کاربرد و یا از خط فاصله (علامت جمله معترضه) استفاده کرد.



– علامت مورب (/) وظیفه اصلی:

جداکنندگی (نام‌های دیگر: خط

مورب، ممیز، مایل، اسلش)

برای جدا کردن دو یا چند گاه‌شمار:

فرن نهم/ قرن پانزدهم؛ ۱۳۶۹ ش/ ۱۹۹۰

م؛ ۱۳۸۶ ش/ ۱۴۲۹ ق/ ۲۰۰۸ م

گاه برای نشان دادن گونه‌های یک واژه، یا چند معادل:

ولکن (ولیکن/ ولی/ لاکن/ لیکن)؛ ویرایش

تصویری/ گرافیکی

برای جدا کردن مصراع اول از دوم (با ممیز

فرد) و بیت اول از دوم (با ممیز زوج)، هر گاه

فشرده‌نویسی اقتضا کند:

در بخشی از داستان کاوه آهنگر (شاهنامه)

می‌خوانیم: به شهر اندرون هر که برنا بُدند/

چو پیران که در جنگ دانا بُدند// سسوی

لشکر آفریدون شدند/ ز نیرنگ ضحاک

بیرون شدند...

(برای جدا کردن مصراع‌ها در اشعار نیمایی

تنها از ممیز فرد استفاده می‌شود).

تبصره ۱: علامت مورب یا ممیز از علائم

ریاضی نیز هست. با این توضیح که کوتاه‌تر

است و در پایین اعداد قرار می‌گیرد:

۱۲/۴۵، ۷/۲۵ اما برای نشان دادن

درصدها، همچنان بلند و کشیده به کار

می‌رود: ۴٪، ۲۵٪

تبصره ۲: تذکر مهم برای حروف‌نگاران

علامت ممیز (و همچنین نقطه، ویرگول،

نقطه ویرگول، علامت تعجب، علامت

سؤال، علامت پرانتز) هیچ‌گاه اول سطر به

کار نمی‌روند.

پیکان (←) وظیفه اصلی: ارجاع

– گاهی به جای «نگاه کنید» یا «رجوع

کنید» به کار رود.

برای توضیح بیشتر ← صناعات ادبی استاد

همایی

برای انتقال مطب به صفحه بعد.

تبصره: جهت این پیکان اگر به طرف

بالا باشد (↑)، یعنی به موضوع یا مدخل

یا مورد قبلی مراجعه کنید و اگر به طرف

پایین باشد (↓)، یعنی به موضوع یا مدخل

یا مورد بعدی مراجعه کنید.

– ستاره (*) وظیفه اصلی: ارجاع

ارجاع به پانویشت (معمولاً برای ارجاع

از شماره استفاده می‌شود. اما گاهی برای

جلوگیری از تداخل شماره‌ها از ستاره‌ها نیز

استفاده می‌شود). این نوع ارجاع‌دهی تا سه

ستاره معمول است نه بیشتر، آن هم برای

پانویشت (پاورقی) نه برای پی‌نوشت (ارجاع

به آخر مقاله یا فصل).

گاهی برای ارجاع به مدخل در یک

لغت‌نامه یا دانش‌نامه به کار می‌رود. در این

مورد، ستاره روی کلمه‌ای قرار می‌گیرد که

خودش مدخل است و در مقاله‌ای دیگر

آمده است.

برای شاخص شدن یک کلمه یا جمله

برای نشان دادن فاصله یک بخشی از بخش

دیگر متن. در این صورت معمولاً از سه

ستاره افقی استفاده می‌شود. (***)

برای نشان دادن پایان یک متن. در این

صورت معمولاً مثلثی از سه ستاره آورده

می‌شود (***)

– خط ممتد (—) وظیفه اصلی:

برجسته‌سازی (نام‌های دیگر: خط

کشیده، خط‌بلند)

برای توجه دادن به عنوان یک مطلب؛

برای شاخص شدن یک کلمه، جمله یا بند

(پاراگراف) در متن؛

برای مشخص کردن متن از پاورقی؛

به جای تکرار نام نویسنده در تنظیم

فهرست منابع (کتاب‌نامه‌ها)

– ابرو (~) وظیفه اصلی: تکرار (نام

دیگر: خط تاب‌دار)

در فرهنگ‌ها به جای تکرار مدخل اصلی

به کار می‌رود.

پلاس: پشمینه ستر || در گردن کردن:

عزادار شدن

– علامت بند (§) وظیفه اصلی: ارجاع

(نام دیگر: علامت پاراگراف)

در متن‌هایی که بندهای آن (پاراگراف)

شماره‌گذاری شده‌اند از این علامت برای

ارجاع استفاده می‌شود.

– خط موازی (//) وظیفه اصلی:

جداکنندگی

تبصره ۷: از پرانتز گل‌دار ﴿﴾ برای

برجسته‌سازی آیات قرآن استفاده می‌شود.

تبصره ۸: با توجه به اینکه نقش

جداکنندگی پرانتز بیش از خط فاصله و

ویرگول است، حذف آن در جمله، تغییری

در محتوا و آسویی در ساختار جمله ایجاد

نمی‌کند

– علامت قلاب [] وظیفه اصلی:

افزایش (نام‌های دیگر: دو قلاب،

کروشه، پرانتز راست، دو چنگ،

افزایش‌نما)

در تصحیح متون یا نقل قول‌ها برای مطالب

الحاقی:

کار کنید و از دست‌رنج خویش نان خور [ید]

تا بر شما گوارنده باشد.

در کتب تاریخ آورده‌اند: «وی [کریم‌خان

زند] مردی کریم‌الطبع و عادل بود».

برای جداسازی توضیحاتی که مغایر با

زمینه اصلی مطالب است:

این کار پول زیاد می‌خواهد [و من آه در

بساط ندارم]. چگونه انتظار دارید که من به

آن اقدام کنم.

یکی از دانش‌آموزان جلوی کلاس آمد

و قبل از خواندن گزارش اردوی علمی

تفریحی روز گذشته، گفت من در اینجا

برداشت‌های خودم را نوشته‌ام و نمی‌دانم

شما هم کلاس‌انم، که در اردو شرکت

کرده‌اید، مایل هستید به آن گوش

بدهید و آیا ناراحت نمی‌شوید؟ [همهمه

دانش‌آموزان]

در نمایش‌نامه‌ها، دستورهای اجرایی در

داخل آن می‌آید:

حسن [با قیافه جدی] من حاضرم جانم

را در راه تو فدا کنم [دستش را روی قلبش

می‌گذارد و آه می‌کشد].

برای جدا کردن مصراع اول از مصراع دوم ابیات، در آنجا که ابیات به صورت فشرده نوشته یا حروف‌نگاری شوند (به جای آن - همان طور که قبلاً گفته شد - از دو خط مورب یا ممیز نیز می‌توان استفاده کرد). برای فاصله بین معانی متعدد یک کلمه در فرهنگ‌های لغت:

شوخ: بذله‌گو || بی‌حیا || شوخ‌چشم || چرک || دلیر

- علامت تکرار () وظیفه اصلی:
تکرار (نام دیگر: ایضاً)

این علامت در زیر سطرها بعد به معنی تکرار کلمه یا عدد فوق آن است. از این علامت در یادداشت‌ها استفاده می‌شود و در متون رسمی نباید آن را به کار برد.

- علائم هندسی (□ ▴ ▾ ▿) وظیفه اصلی: برجسته‌سازی

از این علائم (توخالی و توپر) برای برجسته‌سازی ابتدای بندها (پاراگراف) یا برای تقطیع و ایجاد فاصله میان مطالب و شروع قسمت جدید متن استفاده می‌شود.

- خط مساوی (=) وظیفه اصلی: معادل نمایی

این علامت به جای «یعنی» و «معادل است» به کار می‌رود.

یادآوری مهم، قابل توجه حروف‌نگاران

برای برجسته‌سازی کلمه یا جمله در متن از یک امکان برجسته‌سازی استفاده شود نه بیشتر؛ مثلاً اگر خط ممتد به کار می‌بریم، دیگر گیومه اضافه نکنیم، یا قلم آن را سیاه، سایه‌دار، شکسته، رنگی و ... نکنیم یا ... و بالعکس. در انتخاب نوع برجسته‌سازی باید ملاحظات آموزشی، توصیه‌های صفحه‌آرایی و نکات گرافیکی را مدنظر قرار داد.

۱۲-۳. اعداد و ارقام

اعداد در آن دسته از متون آموزشی که برای علوم ریاضی، هندسه، فیزیک و ... به کار می‌روند رقمی نوشته می‌شوند. در سایر متون آموزشی به شرح زیر خواهد بود:
- اعدادی که در آن‌ها «واو» عطف به کار

نرفته باشد به صورت حرفی نوشته می‌شوند (بقیه اعداد رقمی نوشته می‌شوند):

یک، دو، سه، ... ده، یازده، ... نوزده؛ بیست، سی، ... نود؛ صد، دویست، ... نهصد؛ هزار، میلیون، میلیارد...

(+) قرار شد نه نفر از کلاس اول، پانزده نفر از کلاس دوم و بیست نفر از کلاس سوم در اردو شرکت کنند.

(-) قرار شد ۹ نفر از کلاس اول، ۱۵ نفر از کلاس دوم و ۲۰ نفر از کلاس سوم در اردو شرکت کنند.

اگر اعداد مجموعه‌ای از هر دو (بدون «واو» عطف و با «واو» عطف) بود تمام اعداد رقمی نوشته می‌شوند:

آثاری که به نمایشگاه تحویل داده‌اند ۲۵ تابلو از تهران، ۲۰ تابلو از اصفهان و ۳۰ تابلو از شهرستان‌های دیگر است.

اعدادی که در داخل متن می‌آیند، از راست به چپ نوشته می‌شوند (به عکس متونی که جنبه ریاضی دارند و از چپ به راست‌اند):

در صفحات ۱۸، ۲۵، ۹۴، ۱۰۴، ۱۱۵ کتاب به این قصه قرآنی اشاره شده است.

بهتر است عددهای «هزار»، «میلیون» و «میلیارد» به صورت حرفی و اعداد دیگرش رقمی نوشته شوند:

آن شهر ۷ میلیون و ۵۳۲ هزار و ۴۸۱ نفر جمعیت دارد.

مبلغ ۱۲ میلیارد و ۳۵۲ میلیون و ۶۴۹ هزار و ۸۰۰ ریال هزینه شده است.

تبصره: هیچ جمله‌ای با عدد رقمی شروع نمی‌شود:

(+) هفتاد و پنج نفر آمدند.
(-) ۷۵ نفر آمدند.

در صورتی که متن جمله‌ای اقتضا می‌کند که تمام اعدادش رقمی باشد، با تغییر متختصری در ساختار جمله، می‌توان عدد آغازی را جابه‌جا کرد:

(-) ۷۵ نفر از این منطقه و ۸۳ نفر از منطقه مجاور به این کارگزمی مراجعه کرده‌اند.

(+) تعداد ۷۵ نفر از این منطقه و ۸۳ نفر از منطقه مجاور به این کارگزمی مراجعه کرده‌اند.

عدد معرف سال، در هر موقعیتی، با رقم نوشته می‌شود:

۲۲ بهمن ۱۳۷۵؛ ۱۵ خرداد ۱۳۸۷

پی‌نوشت‌ها

۱. علامه قزوینی درباره تعریف سجاوندی می‌گوید: «آنچه علامات و رموز در قرآن‌ها برای علامت‌انواع وقف از واجب و مستحسن و ... یا عدم وقف مطلق و سایر علامت و رموز در قرآن‌های خطی و بسیاری از قرآن‌های چاپی می‌نوشتند و هنوز هم در بعضی می‌نویسند، مجموع این‌ها را روی هم‌رفته **سجاوندی** گویند. سجاوندی کردن کتابه از منقش کردن و سجاوند شدن مصحف و سجاوندی کردن به شجره و آب طلا نوشتن و نوشته شدن آیات قرآنی است. سجاوندی کتابی است در علم قرائت که در آن برای علامات اوقاف [نشانه‌های وقف] نقطه‌های طلا گذارند. این اصطلاح فقط در ایران و سایر بلاد شرقی ممالک اسلامی معمول شده بود و هنوز دوام دارد. چون مخترع این علامات و رموز از اهل سجاوند از محال [مجاهله] غزنین - که یکی از شرقی‌ترین بلاد اسلام است - بوده [از این‌رو این علامت‌ها به سجاوندی مشهور شده است]. یادداشت‌های قزوینی، ج ۵ ص ۷۱ (به نقل از کتاب انواع ویرایش، ص ۲۴۳). ابوالفضل محمدن لویزید سجاوندی از دانشمندان علم قرائت (ف ۵۶۰ ق) است که نشانه‌هایی برای وقف و وصل برنهاد. کتاب‌های «الوقف» و «الوقف و الابتداء» از آثار مشهور اویند (بر ساحل سخن، ص ۱۵۱)

۲. معادل اصطلاح غربی punctuation بعضی از نویسندگان در این موارد برای اعلام وقف از نشانه سکون استفاده می‌کنند: کتاب دوست ماست. اما اشکالی که دارد آن است که به این صورت غالباً می‌توان آن را یک اسم یا صفت مرکب نیز خواند (کتاب دوست). به نظر می‌رسد در مواردی که به برداشت دیگری منجر نشود از این نشانه (سکون) هم می‌توان کمک گرفت.

۳. بنا به توصیه استاد احمد سمیعی در یکی از جلسات شورای ویرایش سازمان

۴. جمله: نگارش و ویرایش و شیوه‌نامه دانش‌نامه جهان اسلام، از اسناد احمد سمیعی، راهنمای ویرایش، از دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده، شیوه‌نامه دائرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران، از هومن عباسپور، انواع ویرایش، از ابوالفضل طریقه‌دار و بر ساحل سخن، از سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا) ۵. استفاده از قلم‌های متنوع حروف‌نگاری (سیاه، ریز، کج، موج‌دار، ...) و چاپ رنگی بخش‌هایی از متن، همچنین کوتاه کردن سطرها برای برجسته‌سازی کلمات یا عبارات بسیار کارسازند و به گونه‌ای نشانه‌گذاری تلقی می‌شوند. به کارگیری صحیح چنین امکاناتی از حجم بعضی علائم نشانه‌گذاری (گیومه، ...) نیز می‌کاهند.

۶. شیوه‌نامه دائرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران، ص ۹۸ به بعد. ۷. مکث و توقف‌های کلمات در جمله چهار قسم‌اند: مکث - توقف طبیعی و معمولی (کتاب را خواندم). در این جمله بعد از «کتاب» و «را» مکثی طبیعی وجود دارد، که به علامت خاصی نیاز ندارد. دوم - توقف کوتاه (سرانجام، به آرزوی رسیدم). که با علامت ویرگول نشان داده می‌شود. سوم - توقف متوسط (فرزندم، صرفه‌جویی و پس‌انداز را فراموش نکن؛ قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود). که با نقطه ویرگول مشخص می‌گردد. چهارم - مکث یا توقف کامل (تمرینات را حل کردم). که با نقطه نشان داده می‌شود.

۸. در جملات پرسشی و تعجبی نیز اسناد تحقق می‌یابد و به نقطه پایانی نیاز دارند. با این توضیح که نشانه‌های پرسشی و تعجب (!، ؟)، علاوه بر نقطه بخش تکمیلی نیز دارند.

۹. انواع ویرایش، طریقه‌دار: ۲۵۲ ۱۰. بهتر است از به کار بردن واژه‌های دش dash (انگلیسی) و tiret (فرانسوی) پرهیز شود. ضمناً به کار بردن «خط تیره» به جای «تیره» با حشو نیز همراه است. چون این واژه در زبان فرانسه به معنی خط تیره است و به کار بردن «خط تیره» مانند گفتن «سنگ حجرالاسود» است. راهنمای ویرایش، غلامحسین‌زاده: ۵۸، درباره تیره

۱۱. استفاده از ارقام فارسی در تایپ متون فارسی یک ضرورت است. بعضاً دیده شده که اعداد ارجاعی و صفحات متن یا اعداد مربوط به سال ولادت و وفات یا وقایع تاریخی به ارقام لاتین حروف‌نگاری می‌شوند، که ناشی از تسلط نداشتن حروف‌نگار یا ناقص بودن نرم‌افزار مورد استفاده است. برای حفظ و استقلال خط فارسی پرهیز از آمیختگی القبای فارسی با اعداد لاتین کاملاً ضروری است.